

**نامه‌ی عزیزاده به رییس مجلس شورای اسلامی؛ هر عمل یا سخن مشمول جرم قابل پیگرد است حال ممکن است این جرم از طریق نوشتن استعفا باشد**

عباسعلی عزیزاده در نامه‌ای خطاب به رییس مجلس شورای اسلامی در خصوص اظهارات آرمین در مورخه‌ی ۸۲/۲/۲۴ توضیحاتی داد

به گزارش گروه دریافت خبر خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) در نامه‌ی رییس کل دادگستری استان تهران آمده است

حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای کریمی ریاست محترم مجلس شورای اسلامی دامت افاضاته سلام علیکم

با استعانت از خداوند یکتا و با سلام و درود نثار روح ملکوتی شهید مدرس و جمیع نمایندگان شهید خصوصا نمایندگان معظمی که در حمله تروریستی هفتم تیر شهید شیرین شهادت را نوشیدند و با نثار خونشان به پای درخت انقلاب اسلامی، سرافرازی و آزادی را برای ایران و ملت قهرمانش به ارمغان آوردند؛

نکاتی را در خصوص اظهارات جناب آقای آرمین که در مورخه ۸۲/۲/۲۴ در صحن علنی مجلس ایراد نمودند؛ جهت استحضار حضرت عالی و تنویر افکار نمایندگان محترم و ملت شریف ایران بیان می‌دارم آنچه که دست مایه اظهارات جناب آقای آرمین قرار گرفته مصاحبه اینجانب درباره احیاء دادسرا بوده که در مورخه ۸۲/۲/۲۱ انجام شده است

هر انسان منصف و با وجدانی این مصاحبه را ملاحظه نماید تصدیق خواهد کرد مفهوم آنچه بنده اظهار داشته‌ام، احترام به ساخت مجلس شورای اسلامی و تعظیم نمایندگان محترم و سایر مسوولین نظام و تکریم و تجلیل از خبرنگاران و نویسندگان محترم نشریات است. همان گونه که استحضار دارید در این مصاحبه در خصوص وضعیت جناب آقای موسوی خویینی سوال شد. عین پاسخی را که بیان داشته‌ام از روزنامه‌های آفتاب یزد و توسعه نقل می‌کنم. " بنده دلم نمی‌خواهد با مجلس کوچکترین برخوردی ولو ناچیز داشته باشیم. مجلس از افتخارات مملکت ماست.... من از مجلس عذرخواهی می‌کنم، احضار آقای موسوی خویینی به دادگاه ربطی به مجلس ندارد

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی؛ آیا این اظهارات توهین به مجلس است!!؟

اجازه دهید برای روشن شدن موضوع توضیحاتی در خصوص پرونده آقای موسوی خویینی بیان نمایم همانگونه که مستحضری در ماههای گذشته نمایندگان گروه کاری حقوق بشر سازمان ملل به دعوت جمهوری اسلامی ایران از زندانهای تهران و برخی دیگر از شهرهای کشور بازدید و با تعدادی از متهمان و محکومان دادگستری دیدار نمودند

برابر اطلاع واصله پیش نویس قطعنامه تهیه شده توسط این هیات به شماره ۲۰۰۱/۶۲ تنظیم گردیده پیوست یک) که بخشی از آن به شرح ذیل می‌باشد)

در ۱۰ نوامبر سید علی اکبر موسوی خویینی نماینده مجلس اعلام نمود که حسین قاضیان و بهروز گرانپایه تحت فشار قابل توجهی قرار دارند و هر دو در یک زندان نظامی غیرقانونی نگهداری می‌شوند، تصور می‌شود زندان مورد نظر همان زندان ۶۶ در شمال تهران که تحت کنترل سپاه پاسداران است، باشد

در ملاقات بهروز گرانپایه چهار نفر از مقامات با لباس شخصی حضور و اجازه ندادند وی بگوید در کجا و تحت چه شرایطی بازداشت می‌باشد. برخی بر این عقیده‌اند که وی ۱۰ تا ۱۲ کیلوگرم وزن کم نموده و ضعیف شده است در خصوص سلامتی وی اظهار بیم و نگرانی شده است، خصوصا گزارش شده است که "وی مرتباً درخواست داروهای تزریقی می‌نماید

و صرفاً به استناد اظهارات خلاف واقع آقای علی اکبر موسوی خویینی نماینده محترم مجلس شورای اسلامی در خصوص دو نفر از متهمان یکی از محاکم دادگستری استان تهران رای به محکومیت علیه جمهوری اسلامی ایران صادر شده است

علاوه بر پیش نویس قطعنامه این اظهارات کذب نامبرده در دو مصاحبه وی با خبرگزاری ایسنا نیز قابل (مشاهده است که متن آن به پیوست خدمتان ارایه می‌گردد (پیوست ۲

دو نفر متهمی که آقای موسوی خویینی مدعی بدرفتاری و شکنجه آنان و استفاده از داروهای روان گردان جهت بهره‌برداری از آنها است، آقایان حسینعلی قاضیان و بهروز گرانپایه هستند که تاکنون در موارد

SP00348

متعددی از جمله در دادگاه علنی و در حضور خبرنگاران و نمایندگان محترم مجلس و نیز پس از آزادی پذیرای اشتباهات و فعالیت‌های گذشته خود بوده و اتهام شکنجه و بدرفتاری را کاملاً مردود شمرده‌اند. پس از اطلاع از اظهارات کذب آقای خویینی، آقای قاضیان مجدداً در نامه‌ای که شخصاً به نماینده حضرتعالی تحویل داد با رد اظهارات آقای خویینی و ابراز تأسف از وارد نمودن عناصر بیگانه در معادلات داخلی کشور چنین نوشت:

بسمه تعالی

حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای کربوی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

با سلام؛ احتراماً به استحضار می‌رساند بنابر اطلاع، گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر با استناد به اظهارات آقای موسوی خویینی نماینده محترم در گزارش موضوع قطعنامه ۲۰۰۱/۶۲ اعلام داشته است که اینجانب به صورت غیرقانونی بازداشت شده در محلی نظامی و خارج از نظارت سازمان زندانها محبوس شده و از داروهای تزریقی برای اخذ اطلاعات از اینجانب استفاده شده است. مایلم به اطلاع جنابعالی برسانم که جناب آقای موسوی خویینی یا هیچ یک از نمایندگان تا تاریخ حاضر با بنده گفت و گو و ملاقاتی نداشته‌اند و ضمناً ایشان با خانواده بنده نیز تماسی نداشته‌اند، بنابراین نمی‌دانم ایشان چنین اطلاعاتی را چگونه کسب کرده‌اند. صرف نظر از این موضوع هر سه مطالبی که ایشان عنوان کرده و مستند گزارش مفقود شده است کاملاً نادرست است. اینجانب به حکم قانونی و با رویت آن در مورخه ۸۱/۸/۹ بازداشت شدم و از روز اول در یکی از بازداشتگاههای زندان اوین به سر برده‌ام که طبیعتاً نه زندانی مربوط به نیروهای نظامی و نه جایی ناشناخته است به علاوه استفاده از داروهای روان گردان، تزریقی و مانند آن نیز جهت اخذ اطلاعات یا به هر منظور دیگری کذب محض است آنچه جای تأسف دارد صرفاً اظهار این اطلاعات نادرست نیست، تأسف بیشتر از آنجا ناشی می‌شود که این موضوع به مقامات خارجی اظهار شده است.

اگر مشکلی هم در کار باشد، ابراز آن را نزد اشخاص و نهادهای بیگانه نادرست و از لحاظ راهبردی خطایی دهشتناک می‌دانم زیرا مجال و محملی برای رسوخ عنصر خارجی در آرایش سیاسی نیروهای داخلی فراهم می‌کند. دخالتی که برنده و بازنده را به طور کلی به بازنده نهایی تبدیل می‌کند، بازنده‌ای که سرنوشت و منافع ملی را به باد داده است، بر همین اساس بنده حتی تمایلی برای ملاقات با این گزارشگران نداشتم زیرا ترجیح می‌دادم مسایل را با مقامات داخلی در میان بگذارم. متأسفانه از آنجا که استناد گزارشگران یاد شده به اظهارات ناروای آقای موسوی خویینی می‌تواند محملی محتمل برای فشار به کشور با توجه به اوضاع و احوال بین‌المللی، قرار گیرد مایلم مجدداً بر نادرستی این استنادات و نیز انتساب آن به خود تأکید نموده و بدین وسیله جنابعالی را در جریان ما وقع قرار دهم تا زمینه چنین اظهارات ناروایی در آینده نیز دست کم کاهش یابد.

آقای بهروز گرانپایه نیز در گواهیات مکتوب خود که به عنوان مطلع نگاشته است با ابراز تأسف از اظهارات آقای خویینی می‌نویسد:

به استحضار دادگاه محترم می‌رسانم همانطور که بارها و در ایام بازداشت و پس از آزادی از زندان متذکر شده‌ام اولاً اینجانب از روز و ساعات اولیه بازداشت در زندان اوین بوده‌ام و هیچ گاه محل زندان اینجانب تغییر نکرد و از اوین به محل دیگری منتقل نشدم. ثانیاً همیشه شاهد برخورد خوب و انسانی نگهبانان زندان و رفتار مودبانه و محترمانه آنها بودم و برخورد آنان با اینجانب خوب و مناسب بود و از این بابت از آنها پیوسته تشکر کرده‌ام. ثالثاً سلول و بندی که اینجانب در آن نگهداری می‌شدم و در بازداشت بسر می‌بردم، محلی تمیز و نوساز بود و از نظر وضعیت بهداشتی وضعیت مطلوبی داشت و در مورد غذا نیز مشکل خاصی وجود نداشت و به عنوان مثال در ماه مبارک رمضان مکمل‌های غذایی نظیر خرما، میوه و شیر نیز در اختیار اینجانب قرار داده می‌شد، رابعاً همانطور که پیشتر نیز گفتم استفاده از داروهای روان گردان یا تزریقی در مورد اینجانب، داستان موهوم و بی‌پایه‌ای است و معلوم نیست بر چه مدارک و شواهدی مبتنی است؟ این نوع اظهارات به همین دلیل بی پایه و اساس بودن می‌تواند موجب لطمه زدن به منافع ملی و خدشه دار شدن موقعیت وجهه جمهوری اسلامی در مجامع جهانی شود. در خاتمه متذکر می‌شوم که اگر آقای موسوی خویینی طالب حقیقت هستند خوب بود با اینجانب که در حال حاضر آزاد هستم، ملاقات می‌کردند و با سوال و جواب با اینجانب از واقعیت موضوع و آنچه که در مدت زندان اتفاق افتاده است مطلع می‌شدند. پس از طرح این اظهارات واهی و مغایر منافع ملی توسط نماینده محترم آقای موسوی خویینی با توجه به

شکایات های واصله و اعلام جرم و نیز گواهیات مکتوب هر دو نفر متهمان مورد اشاره نامبرده در رد اظهارات نماینده محترم و خلاف واقع خواندن آن (پیوست ۲ و ۳) از نامبرده درخواست گردید جهت ادای توضیحات به شعبه قضایی مراجعه و در خصوص شکایات های صورت گرفته اعلام نظر کند؛ اما متأسفانه برابر اطلاع و اظهارات مضبوط نامبرده در رسانه‌ها، وی نه تنها از حضور در دادگاه و رسیدگی به شکایات استنکاف نموده است بلکه بر اظهارات خلاف واقع خود اصرار ورزیده است جناب عالی مستحضرید که این روش علاوه بر اینکه سنگ بنای حرکت های استبدادی بر علیه قانون و عدالت را از سوی یکی از عناصر قانون گذار در خانه ملت بنیان خواهد گذاشت سبب نقض اصول متعدد قانون اساسی به عنوان میثاق ملی کشور است که صراحتاً از یکسان بودن آحاد ملت در برابر قانون سخن می‌گوید

دادگستری تهران در همین راستا و به استناد قوانین جاری کشور که مورد تصویب مجلس شورای اسلامی قرار گرفته اقدام به احضار آقای خوینبی نمود و هرگز قصد توهین به هیچ شخص و یا دستگاهی را نداشته است

اگر بخواهیم احضار نمایندگان به دادگاه را توهین به مجلس فرض کنیم مثل آن خواهد بود که احضار یک روحانی و طلبه را به دادگاه توهین به ساحت حوزه علمیه و روحانیت به حساب آوریم در حالی که هرگز این چنین نیست در طول تاریخ کم نبوده اند افرادی که هرگاه به دلیل اظهارات خلاف واقع و یا اعمال خلاف قانون خود را در خطر دیده و دست قدرتمند عدالت را بر بالای سرشان مشاهده نموده‌اند، به تکاپو افتاده و چنان وانمود کرده‌اند که گویا برخورد با آنها به معنی برخورد با یک دستگاه و یک مجموعه است در حالی که چنین نبوده و نیست

مشاهده‌ی رفتارهایی این چنینی مرا به یاد موریانه‌ای می‌اندازد که به خاطر بی‌احتیاطی در آب روانی افتاده بود و هی فریاد می‌زد مردم کمک کنید دنیا را آب برد در حالی که دنیا سرچاپش بود و فقط موریانه بود که در آب گرفتار شده بود به هر حال امید است جناب آقای موسوی خوینبی در مقام یک قانونگذار خود به قانون احترام بگذارد و به جای بافتن آسمان به ریسمان، در محکمه حاضر شده و برابر قانون پاسخگوی سوالات دادگاه باشد سوال دیگری که در آن مصاحبه مطرح شد در خصوص تحقیق و تفحص از سازمان صدا و سیما بود. ابتدا اجازه دهید از این فرصت استفاده کنم و نکته‌ای را متذکر شوم. وقتی گزارش تحقیق و تفحص از صدا و سیما در صحن علنی مجلس قرائت شد انتقاداتی به این گزارش کرده بودیم. عده‌ای از نمایندگان محترم مجلس، مقامات و رسانه‌ها تحقیق و تفحص را حق مجلس دانسته و اعتراض به محتوای این گزارش را توهین به نمایندگان و مجلس قلمداد نمودند. این در حالی است که تقریباً همین افراد به راحتی احکام دادگاه را که علیه دوستان و همفکرانشان صادر شده به مسخره می‌گیرند و به رغم آنکه مباحث حقوقی اصولاً تخصصی بوده و همچنین نحوه اعتراض به یک رای در قانون پیش بینی شده، به خود اجازه می‌دهند هرگونه توهینی را نسبت به قاضی پرونده و قوه قضاییه بیان نمایند. آیا در این موارد هم این آقایان تصور نمی‌کنند رسیدگی به شکایات و صدور حکم از وظایف قوه قضاییه می‌باشد؟

و اما در خصوص تحقیق و تفحص از صدا و سیما و اصولاً هر تحقیق و تفحص دیگری حرف بنده براساس قوانین جاری کشور این است که: نمایندگان محترم معمولاً در گزارشات خود به مواردی از تخلفات اشاره دارند که جنبه حق الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی را دارند و قانون وظیفه پیگیری و اعلام شکایت در این موارد را برعهده رییس حوزه قضایی قرار داده است که با تشکیل دادسرا این وظیفه برعهده دادستان خواهد بود

شکی نیست که آنچه نمایندگان محترم به عنوان تحقیق و تفحص انجام می‌دهند یک اقدام قانونی است که می‌بایست با حسن نیت، دقت تمام و رعایت موازین انجام شود

کما اینکه امر قضا نیز می‌بایست این خصوصیات را داشته باشد اما باید توجه داشت از آنجایی که در رسیدگی قضایی تمامی مراحل تحقیق و بازجویی وفق قانون باید توسط قاضی و یا به دستور قاضی توسط ضابطین قضایی انجام گیرد، بدیهی است چون نمایندگان محترم ضابط قضایی نیستند و به دستور قاضی محکمه تحقیق نموده‌اند لذا بر قاضی فرض است که خود شخصا موضوع را با دقت تمام بررسی نموده و پس از اعتماد موصول حقیقت تصمیم قضایی را اتخاذ نماید. کمااینکه در خصوص پرونده شهردار سابق تهران ملاحظه نمودید که قاضی پرونده به صرف تحقیق و تفحصی که از شهرداری تهران به عمل آمده بود و انشا رای نکرد بلکه خود به احضار مطلعین و متهمین پرداخت و پس از طی مراحل قانونی و

انجام تشریفات لازم اقدام به صدور رای نمود.  
 به هر حال استحضار دارید دادگستری موظف است به هر شکایتی که دریافت می‌کند و حکم مقتضی را صادر نماید و این دقیقا مفهومی است که بنده در آن مصاحبه بدنبال بیان آن در قالب کلمات بودم و اما در خصوص بحث استعفا که خبرنگاران اصرار داشتند اظهار نظر نمایم چنین گفتم: هر کس می‌تواند استعفا دهد و این به اختیار خود اوست زمانی هست که عده‌ای استعفا می‌دهند و این استعفا همراه با نوشته و صحبتی است که به نحوی به امنیت ملی باز می‌گردد در این صورت قابل تامل و بررسی است جناب آقای کروبی همانگونه که استحضار دارید این بحث صرفا شامل نمایندگان نمی‌شود و البته هر کس در هر پست و مقامی که باشد چنانچه عملی انجام دهد و یا سخنی بیان کند که جرم محسوب شود طبیعتا قابل پیگرد و رسیدگی است حال ممکن است این جرم از طریق نوشتن يك استعفا رخ دهد، به هر حال این موضوع در مورد همه صادق است، اگر بنده نیز فرضا استعفا دهم و در متن استعفا یا اعمال پیرامونی آن موردی باشد که تحت عنوان اقدام علیه امنیت ملی و یا هر عنوان مجرمانه دیگری قابل پیگرد و رسیدگی قضایی باشد بدون شك مورد توجه و مذاقه مقامات مربوطه قرار خواهد گرفت و در اینجا اگر نامی از نمایندگان محترم برده شده از آنجا ناشی می‌شود که بعضی از آقایان نماینده خود به طرح این مبحث پرداخته و زمینه طرح آن را در محافل گوناگون بوجود آورده‌اند.  
 امید است خداوند همه ما را از جمیع انحرافات حفظ نماید و راه تشخیص حق و باطل را بر ما سهل و آسان فرماید انشاءالله  
 در خاتمه فرصت را مغتنم شمرده يك بار دیگر احترامات فائقه را تجدید می‌دارد